



جمال شورهچ (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

رابرتوش ارجمند (بازیگر)

ناود میربالری (فیلمساز)

مرتضی شعبانی (سنندساز)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی قلیه (بازیگر)

ابراهیم حاتم‌کیا (فیلمساز)

فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان (یوتوانما)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

نادر طالبیان‌زاده (کارگردان)

ولکلاوی تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینماتوگراف ۲

چنگ در سینمای پس از چنگ

سعید مستغانی
بخش سی و هفت

جنگ در سینمای سال‌های پس از جنگ دنیا عمدتاً در جشنواره‌ها و فستیوال‌های جهانی بروز کرد تا یادی از دورانی خاص بر پرده سینماها نقش ببندد. این یاد و خاطرهٔ آنچنان قوی است که در سال ۲۰۱۹ پس از گذشت بیش از ۱۰۰ سال از پایان جنگ جهانی اول که آن «جنگ جنگ‌ها» خوانند، سرمایه‌های عظیمی برای به تصویر کشاندن ناگفته‌های آن جنگ صرف گردید.

در این سال، فیلم «۱۹۱۷» ساخته کارگردان معروف‌هالیوود «سام مندس»، با پروداکشن عظیم درباره ماجرای غیر قابل باور در این جنگ ساخته شد و مورد استقبال بسیاری قرار گرفت به طوری که در اغلب لیست‌های برگزیدگان و نامزدهای فصل جوایز ۲۰۱۹ هالیوود، از جمله اسکار و گلدن گلوب و مانند آن قرار گرفت و جوایز بسیاری را به خود اختصاص داد.

سام مندس که اصلاً یک ملودرام ساز است ولیته یکی دو فیلم حادثه‌ای از نوع جیمز باند هم در کارنامه‌اش دارد، درباره علت ساختن فیلمی درباره جنگ اول جهانی پس از گذشت بیش از ۱۰۰ سال از پایان آن، گفت نمی‌خواستم آن جنگ و سربازان و وقایعش را یادها ببرد.

همچنین فیلم «میدوی» ساخته «ولند امریش»، دیگر فیلم سوپر پروداکشن سال ۲۰۱۹ درباره جنگ جهانی دوم و نبرد معروف میدوی، از دیگر فیلم‌های این نوع فیلم‌هاست که پس از دهه‌ها مورد اقبال فیلمسازان و تهیه‌کنندگان و مخاطبان قرار گرفت.

در طی این سال‌ها آثار بسیاری در روایت‌های مختلف از جنگ‌های جهانی اول و دوم ساخته شدند که علاوه بر تماشاگران، جوایز متعددی نیز به خود اختصاص دادند. ۳ فیلم «تاریک‌ترین ساعت» ساخته جو رایت، «چرچیل» به کارگردانی جاناتان پلیتزکی و «انکرک» از کریستوفر نولان، درباره جنگ جهانی دوم و ماجرای دانکرک، در سال ۲۰۱۷ بر پرده سینماها رفتند و چند سال پیش نیز موضوع جشنواره فیلم لندن به فیلم‌های درباره جنگ جهانی اختصاص یافته بود.

نگاهی به برخورد جشنواره‌ها و فستیوال‌ها و مراسم مختلف سینمایی با سینمای جنگ طی این گذشت بیش از ۱۰۰ سال از جنگ اول جهانی و تقریباً ۸۰ سال از جنگ دوم جهانی، روشنگر این مطلب است که خاطرات و روزهای جنگ برای سینمای جهان به‌خصوص هالیوود تا چه اندازه اهمیت دارد ولو بیش از یک قرن از آن گذشته باشد.

اما در سینمای ایران، هنوز یکی دو سالی از پایان سال‌های دفاع مقدس، سپری نشده بود که زمزمه‌هایی مانند «دیگر دوران جنگ گذشته و باید به آینده و سازندگی پرداخت» ساز شد.

سینمای ایران در سال‌های پس از جنگ

نخستین دوره جشنواره فیلم فجر در سال‌های بعد از جنگ را می‌توان به سال ۱۳۶۸ و هشتمین جشنواره فیلم فجر مربوط دانست که آشکارا نسبت به سال قبل، تعداد فیلم‌های سینمایی دفاع مقدس در آن کمتر شد و البته آن جشنواره یکی از معدود جشنواره‌هایی بود که یک فیلم دفاع مقدس فیلم «مهاجر» ابراهیم حاتم‌ی کیا توانست جایزه بهترین فیلم جشنواره را دریافت کند.

اما پس از این جشنواره، کار به جایی رسید که برخی فیلم‌های جنگی جشنواره نهم فیلم فجر،

مانند «در مسلخ عشق» ساخته کمال تبریزی با فیلم‌هایی که به حواشی انقلاب و جنگ می‌پرداختند همچون «شبهای زاینده‌رود» ساخته محسن مخملباف پس از گذشت سالها، هنوز پروانه نمایش دریافت نکرده‌اند! در جشنواره نهم فیلم فجر، اندک فیلم‌های تولیدی درباره دفاع مقدس مانند «وصل نیکان» (ابراهیم حاتم‌ی کیا)، «هور در آتش»(عزت‌الله حمیدنژاد)، «پوتین»(صدیقه باکیده)، «وینار»(شهرام اسدی) و… ن توانستند در مقابل خیل فیلم‌های بی‌ربط با انقلاب و دفاع مردم ایران عرض اندام کرده و حتی یکی از جوایز اصلی را به خود اختصاص دهند.

اما در سال‌های پس از جشنواره نهم و یازدهم و از دوازدهمین جشنواره فیلم فجر که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین مدیران سینمایی پس از یک دهه تغییر کرده و برخی افراد مانند عزت‌الله ضرغامی به معاونت سینمایی رسیدند، روند تولید فیلم‌های دفاع مقدس ولو با سبک و سیاق جدید قهرمان‌پرورانه و حادثه‌پردازانه (چنان‌که پیش از این نیز توضیح داده شد)، افزایش یافت و تقریباً در طول ۴–۵ سال مسئولیت این مدیران، سینمای دفاع مقدس حداقل ۲۰ درصد تولیدات هر سال را به طور ثابت به خود اختصاص می‌داد.

روند نزولی توجه سینمای ایران به دفاع مقدس

اما از نیمه دهه ۷۰ و با روی کارآمدن دولت مدعی اصلاحات و به مسئولیت‌های رسیدن کسانی که ادعای اصلاحات و روشنگری داشتند، سال به سال تعداد فیلم‌های تولیدی سینمای ایران در زمینه دفاع مقدس و جنگ، رو به تقلیل گذارد. چنان‌که این کاهش در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ به اوج خود رسید تا جایی که در سال ۸۱ در بخش مسابقه سینمای ایران جشنواره فیلم فجر حتی یک فیلم در باب دفاع مقدس حضور نداشت و از همین رو در طول ۸۲ نیز هیچ فیلمی از این نوع به نمایش عمومی در نیامد!

این درحالی بود که طی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۶، هر سال بین ۷ تا ۱۲ فیلم درباره ابعاد مختلف دفاع مقدس مردم ایران، در جشنواره فیلم فجر به نمایش درمی‌آمد اما از سال ۱۳۷۷ و هفدهمین جشنواره فیلم فجر، شاهد مسیر نزولی چشمگیری در تولید و نمایش این‌گونه آثار بودیم؛ چنان‌که رقم ۱۲ فیلم دفاع مقدس در جشنواره شانزدهم (۱۳۷۶) تاکنون در هفدهمین دوره (۱۳۷۷) به ۴ فیلم کاهش یافت، در جشنواره هجدهم (۱۳۷۸) ۳ فیلم شد و در جشنواره‌های نوزدهم(۱۳۷۹) و بیستم(۱۳۸۰) به ۲ فیلم رسید و بالاخره در بیست و یکمین جشنواره فیلم فجر در بهمن ۱۳۸۱ یعنی فقط ۱۴ سال پس از پایان جنگ تحمیلی، فاتحه سینمای دفاع مقدس توسط مسئولان وقت جشنواره خوانده شد و هیچ فیلمی از این نوع در جشنواره مذکور به نمایش درنیامد. به این ترتیب اگران سال ۸۲ سینمای ایران که نتیجه تولیدات سال ۸۱ و محصول بهترین نمایشی جشنواره بیست و یکم بود، هیچ فیلم سینمای دفاع مقدس را بر پرده سالن‌های خود ننید!

اگرچه تلاش شد در آخرین سال‌های دولت مدعی اصلاحات یعنی سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ تغییر و تحولاتی در زمینه سیاست‌های سینمایی اتفاق افتاده و مجدداً برخی فیلمسازان باسابقه در زائر دفاع مقدس به ساخت فیلم در این باره روی آوردند چنان‌که جشنواره بیست و دوم فیلم فجر شاهد نمایش ۴ فیلم در زمینه نخستین فیلم بود از جمله «دوتل» (محمدرضا درویش) و «مزرعه پدری»(مرحوم رسول ملاقلی پور) که نخستین تجارب سینمای استاندارد صنعتی در تاریخ سینمای ایران به شمار آمدند، اما با توجه به نگاه‌های تردیدآمیز هر دو فیلمساز قدیمی سینمای دفاع مقدس به کلیت دفاع و فرو کاستن آن بر برخی از موضوعات حاشیایی و همچنین محدود بودن تولیدات این نوع سینما در همان سال و جشنواره بیست و دوم فیلم فجر، سینمای دفاع مقدس علی‌رغم تجارب گذشته و امکانات بیشتر حال، به سال‌های پررونق قبل بازمنگشت.

مسال بعد و سال‌های بعدتر همچنان با سینمای دفاع مقدس به طور کج‌دار و مریز رفتار شد تا اینکه

در نیمه دهه ۸۰ و برای بیست و پنجمین جشنواره فیلم فجر که در دولت نهم برگزار می‌گردید، ۱۰ فیلم درباره دفاع مقدس ملت ایران به تولید رسید و اتفاق مهم دیگر این‌ که فیلمی از این زائر، بار دیگر توفیق سال‌های پیشین این سینما را تکرار کرد و سینمای ایران را به استقبال آشنانه‌ای سال‌های دهه ۱۳۶۰ رساند. فیلم «خراجی‌ها» (ساخته محمود درویش) و «مزرعه پدری»(مرحوم رسول ملاقلی پور) که نخستین علاوه بر آنکه با رای تماشاگران، سیمرغ بلورین فیلم محبوب تماشاگران جشنواره بیست و پنجم فیلم فجر را دریافت نمود، برای نخستین بار سینمای ایران را به فروش میلیاردی رساند.

در واقع این اتفاق را می‌توان با روی کارآمدن دولت نهم و مسئولین جدید سینمای هر تربط دانست که حداقل توجه بیشتری نسبت به سینمای دفاع مقدس مبدول داشتند. اما این نگاه، یک شرک استراتژیک نبود و ساخت فیلم‌هایی مانند «خراجی‌ها» نیز نتیجه ترسیم یک چشم‌انداز روشن برای سینمای ایران به نظر نرسید بلکه صرفاً برای ایجاد تحولی مقطعی در روند تولید این سینما، با مساعدت بنیاد سینمایی فارابی، ساخت یک سری آثار ارزشی و دفاع مقدس در دستور کار قرار گرفت که نتیجه‌اش فیلم‌هایی مانند «روز سوم» و «خراجی‌ها» بود. بنابراین در سال بعد و سال‌های بعدتر دیگر موفقیت‌های یاد شده تکرار نشد و

بازهم تولید فیلم دفاع مقدس کاهش یافت و همچنان جرقه‌ها بود که این زائر را حریف می‌کرد.

«خراجی‌ها ۲» در نوروز ۱۳۸۸ موفقیت قسمت اول را در حد و حدود بسیار بالاتری تکرار کرد و برای نخستین بار فروش ۷ میلیاردی را در کارنامه این سینما به ثبت رسانید.

مجموعه تلویزیونی «نون خ» به نام کردستان و قوم

کرد سبند خورده است و اکثر بازیگرانش نیز هنرمندان بومی کرد هستند و در چهار فصل قبلی‌اش، جنبه‌ها و ابعاد مختلف فرهنگ و آداب و رسوم و جغرافیا و هنر کردی را به تصویر می‌کشید. اما فصل پنجم «نون خ» را می‌توان پیوند زد و شرق ایران دانست، چون در این فصل، شاهد سفر نورالدین خاتزاده و همولایتی‌هایش به جاپهار و مواجهشان با بلوچ‌ها هستیم. طوری که می‌توان «نون خ ۵» را از نظر فرهنگی و قوم شناختی، یازتاب‌دهنده اتحاد اقوام ایرانی با تمرکز بر دو قوم کرد و بلوچ دانست. موسیقی تیتراژ پایانی این سریال نیز تلفیقی از موسیقی نواحی بلوچی و کردی است و زیبایی‌ها هر دو قوم را در این فصل از «نون خ» می‌بینیم.

البته «نون خ ۵» نیز دچار ضعف‌ها و اشکالات ساختاری و محتوایی هم هست؛ ازجمله این ضعف‌ها می‌توان به ساختار روایی نامنسجم آن دانستا فصل پنجم «نون خ» دچار فیلمنامه‌ای پر فرود و پرده، کم فروغ است، آنچه روایت این سریال را پیش می‌دهد، صرفاً خودنمایی و مزه‌پرانی کاراکترهاست و در عمل، یک داستان درست و حساسی در آن جریان ندارد. حتی موفقیت‌های طنزآمیز در این سریال نیز نسبت به فصل‌های قبلی‌اش به شدت کاهش یافته است و باز هم آنچه مبنای کم‌دی در این سریال است، تپه‌هایی هستند که حرف‌ها و حرکاتشان به تکرار می‌افتد. بخش عمده فضای روایت در «نون خ ۵» را دیالوگ و بگویم‌گوئی تشکیل داده و این باعث شده تااین سریال طولانی و کشدار به نظر برسد. همچنین

مجموعه مستند «بازی اختاپوس» از زاویه‌ای

جدید به ریشه‌های پوئشالی و جلسی رژیم صهیونیستی می‌پردازد.

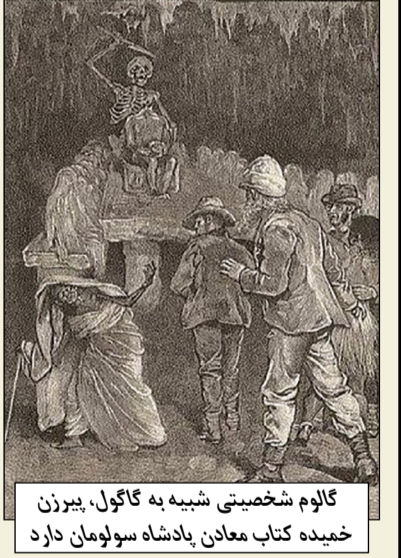
هر در بازی، یک طرف بازیزنده و طرف دیگر برنده خواهد شد. اما در بازی اختاپوس، هیچ کس برنده نیست.بازی اختاپوس، بازی جنایت و مرگ است. در این بازی، هدف، نسل کشی است و طراح آن رژیم صهیونیستی است.
البته هم در است و هم بازیزنده به همین دلیل، همیشه خود را در این بازی، برنده اعلام می‌کند و البته به خود حق می‌دهد بازنده را با فجیع‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین شکل بکشد. این بازی جنایتکارانه توسط دولت آمریکا و بسیاری از دولت‌های اروپایی مدافع حقوق بشر حمایت می‌شود. فلسطینی‌ها به‌ویژه زنان و کودکان، هدف آسانی برای رژیم در این بازی هستند.

آغاز این بازی، به سال‌ها پیش از تاسیس رژیم جعلی باز می‌گردد. در آن زمان یک گروه تروریستی به نام هاگانا افراد را برای کشتن فلسطینی‌ها آموزش می‌داد و هدف اصلی استفاده از بمبگذاری و ترور برای بیسرون راندن فلسطینی‌ها از خانه و وطن خودشان بود. باورخ تیروش از اعضای گروه ضربت هاگانا در مصاحبه‌ای اذعان کرد، «من بشخصه این تعداد فیلم‌های سینمایی فقط تیرم را به هدف بزتم. هر طوری که باید به هدف اصابت می‌کرد». سرانجام این گروه‌های تروریستی پس از فروپاشی عثمانی با کمک انگلیس البته در ازای دریافت پول از ثروتمندان

سه‌گانه «ارباب حلقه‌ها» بر اساس رمان‌های جان رونالد رول تلکین و با کارگردانی پیتز جکسون، ساخته شد.

این سه‌گانه ۱۷ جایزه اسکار را کسب کرد و توانست ۱۰ برادر بودجه ۳۰۰ میلیون خود، بفروشد. تلکین در این کتاب زبان‌هایی را در جهان تخیلی خودش ابداع کرده است.

«رباب حلقه‌ها» در ابتدای هزاره جدید، که فیلم‌های آخرآرمانی هالیوود افزایش چشمگیری یافتند، توانست مخاطبین دیدار جهان را با یک مقدس مانند «وصل نیکان» تلکین در اثر خود، با استفاده از برخی تعالیم انسانی و فطری همچون مهربانی، هدایت،عالم غیب، جدال خیر و شر و خصوصاً استفاده از مضامین مسیحی، یک اثر دینی نوشته است. اما برای رسیدن به بافت فکری و ایدئولوژیک اثر، یابستی از این کلیات که در کتابت مختلف وجود دارد، گذر کرده و نگاه عمیق‌تری داشته باشند.



تلکین مسیحی کاتولیک بود. وی درباره اثر خود می‌نویسد: «رباب حلقه‌ها، پایه مسیحی دارد، در نگارش اولیه ناخودآگاه و در بازبینی اثر، خودآگاه مسیحی است.» از طرفی، عده‌ای معتقدند اثر تلکین یک اثر نئوپاگانی و مشرکانه است. چرا که از اساطیر مختلف مشرکانه مثل مسته‌بندی موجودات به انسان و الف و دوارف که در اساطیر نورس (اسکاندیناوی) موجود است، بهره برده.

حتی برخی پژوهشگران در مدار این ابراهیمی و از اعضای مشرتکین جدید، سعی بر مسدود اثر تلکین به نفع خود داشته و شواهد قابل تاملی نیز ارائه می‌دهند. جدیداً نئوپاگان‌ها به سمت تحقیق درباره‌ی تلکین رفت‌اند. بعضی‌ها به طور کلیه، با بعضی اقتباس‌های دینی می‌دانند.

بعضی از پژوهشگران نیز معتقدند قهرمان حماسی قرون وسطایی مثل آرگورن و قهرمانان ساده خیالی مثل هابیت‌ها، در مجموع یک اثر از ریشه مسیحی در ظاهر، یاگانی را ساخته است.

پیتز جکسون نیز در «رباب حلقه‌ها» علی‌رغم بعضی تغییرات، سعی کرده بر زمان وفادار باشد و تقریباً همان جهان رمان را تصویر کرده است.

در ادامه، به بررسی مؤلفه‌های مختلف مسیحی و یاگانی (مشرکانه) ارباب حلقه‌ها موعوم می‌پردازم.

بررسی جهان آردا

تلکین در جهان تخیلی خود، موجودات مختلفی را قرار داده است. الف‌ها، اتقفا درختان سخنگو در ارباب حلقه‌ها،(دوارف‌ها به معنای کوتوله)، اورک‌ها، گلرین‌ها،هابیت‌ها و ایستارها، موجوداتی هستند که در سراسر میانه، جایی که اتفاقات ارباب حلقه‌ها آنجا رخ می‌دهد، دیده می‌شوند.

به بهانه مجموعه «نون خ ۵» | **ارش فهیم**

پیوند غرب و شرق رنگین کمان زیبای اقوام

برخی انتقادات به محتوای این سریال وارد است. ازجمله اینکه می‌بینیم تنها آدمی که در این سریال روزه می‌گیرد، مهیار است، یعنی دقیقاً پنجم‌ترین و کم‌هوش‌ترین عضو گروه گویی به واسطه این آدم، با روزه‌داری ماه رمضان می‌توان به ساختار روایی نامنسجم آن دانستا فصل پنجم «نون خ» دچار فیلمنامه‌ای پر فرود و پرده، کم فروغ است، آنچه روایت این سریال را پیش می‌دهد، صرفاً خودنمایی و مزه‌پرانی کاراکترهاست و در عمل، یک داستان درست و حساسی در آن جریان ندارد. حتی موفقیت‌های طنزآمیز در این سریال نیز نسبت به فصل‌های قبلی‌اش به شدت کاهش یافته است و باز هم آنچه مبنای کم‌دی در این سریال است، تپه‌هایی هستند که حرف‌ها و حرکاتشان به تکرار می‌افتد. بخش عمده فضای روایت در «نون خ ۵» را دیالوگ و بگویم‌گوئی تشکیل داده و این باعث شده تااین سریال طولانی و کشدار به نظر برسد. همچنین

مختلف، ازجمله با رسانه‌ها همواره در پی این بوده‌اند که بین ترک و کرد و لر و فارس و بلوچ و شیعه و سنی و شهری و روستایی و زن و مرد و… اختلاف و تنش ایجاد کنند تا آرزوی محال تجزیه ایران را به واقعیت تبدیل کنند. اینکه صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران اقدام مشکلی از دست مدیران جوان و مستندساز سیمافیلم در رفته یک طرف، محل سؤال است که چطور مهدی فرجی، تهیه‌کننده با تجربه «نون خ» متوجه این ایراد گذارشت نشده؟!

اما جدای از این مشکلات، رویکرد کلی مجموعه

تلویزیونی «نون خ ۵» دارای اهمیتی راهبردی در جهت منافع و اقتدار ملی است. فراموش نکنید که از گذشته تا به حال، یکی از رفتندهای دولت‌های استعماری و دشمنان ایران، ایجاد تفرقه بین اقوام و گروه‌ها و پیروان مذاهب و «سون خ ۵» این روزها تصویر واقعی و درست را از ادیان گوناگون ایرانی بوده است. آن‌ها با وسایل و ابزارهای

به بهانه پخش مستند «بازی اختاپوس» | **آرین امیدوار**

بازی مرگب با هدف حذف بازنده



خرید زمین در فلسطین را ارائه داد. یوناس لونسون، برق اوکراین هم ریاست آن را برعهده گرفت. یک سرمایه‌دار صهیونیسم روس به نام اسحاق گلدبرگ،

صفحه ۸

شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۸ شوال ۱۴۴۵ – شماره ۲۳۵۶۴



بلوچستان ایران و مردم بلوچ نشان می‌دهد. خانواده ناخنا در این سریال، نماینده و نمودی از قوم بلوچ هستند که سرشار از تدبیر و مهربانی و مهمان‌نوازی و وطن‌دوستی است.

فرزندان و نوادگان اعضای تروریستی هاگانا و یهودیانی که از اروپا اخراج شده بودند، سربازان ارتش رژیم جعلی را به‌وجود آوردند که بیش از هفتاد سال هدف قرار دادن فلسطینی‌ها از زن و مرد و کودک و پیر و جوان در پوست و خونشان ریشه دوانده است.

گهیلا هیل، یک عضو سابق ارتش اسرائیل در بخشی از مستند بازی اختاپوس می‌گوید، وقتی عضو ارتش شدم فکر می‌کردم بتوانم یک برخورد انسانی در ماموریتیم داشته باشم، اما من در ارتش به یک هیولا تبدیل شدم.

اما در آن سوی بازی، محور مقاومت قرار دارد که این بازی را غیرعادلانه و غیرانسانی می‌داند و مانع آن می‌شود.

هفتم اکتبر ۲۰۲۳، یک بار دیگر، حماس به عنوان مخالف بازی اختاپوس رژیم صهیونیستی، عنوانه بازی که همان کیبوتس رعیم بود را به چپنم اختاپوس تبدیل کرد. چرا که رعیم، نماد و سمبل جنایت‌های صد ساله رژیم صهیونیستی بود. مجموعه مستند «بازی اختاپوس» با همکاری مؤسسه شهید آوینی به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمد فیاضی، بسا نگاهی متفاوت به موضوع شکل‌گیری رژیم صهیونیستی و عملیات طوفان الاقصی می‌پردازد. روایت این مجموعه ده قسمتی که از شبکه اول سیما پخش می‌شود را وحید روفتی بر عهده دارد.

اکسکلیر است.شباهت قیل با مامت‌های هرادیم با قیل‌های بیروس از بیروس در حمله به روم باستان نیز قابل توجه است.

بعضی از پژوهشگران، جنگ پایانی‌ای که ممکن است به کشته شدن همه بینجامد را شبیه رگناروک نورس دانسته و شجاعت شمالی‌ها (روهان) را نیز اقتباسی از جنگ‌های نورس‌ها می‌دانند.همچنین گفته شده اینکه پس از جنگ نهانی، الف‌ها می‌روند و سرزمین میانه را به انسان‌ها می‌سپارند، اشاره به رگناروک و نابودی خدایان دارد که البته درباشناخت دقیقی نیست.همچنین عده‌ای معتقدند ریوندل و لوتلورین از جهان غیبی سلنتیک‌ها اقتباس شده است. وارگ‌ها و ترول‌ها که در ارباب حلقه‌ها

هابیت وجود دارد، موجودات آشنانه‌ای از نورس هستند. دوارف‌ها نیز حلقه باغث نامرئی شدن فرودو و البته سطره و شبیه به یهودیان قرون وسطی هستند.گاندولف شبیه به اودین، با عصا و لباسی مندس در حال پرس زدن در سرزمین‌های مختلف است. تلکین گفته است شخصیت گاندولف به نوعی شبیه اودین است.

اودین با گرگ‌هایش معروف بوده و کلاخ‌ها، چشمان وی هستند.همچون سارومان که با وارگ‌ها به همراهان حلقه حمله کرده و با کلاخ‌ها، این گروه را رصد می‌کند. نام گاندلف از همان نام در بین نورس‌ها که از دو بخش گاندلبر به معنی جادو و آلف (عصا و تیر) (همان موجودات گوش تیز) گرفته شده است.

مسئله حلقه جادویی و شمشیر شکسته نیز در اساطیر نورس وجود دارد. در ارباب حلقه‌ها نیز شمشیر شکسته نارسیل و حلقه یگانه، از عناصر مهم داستان هستند. گاندولف شبیه به اودین، با عصا و لباسی مندس در حال پرس زدن در سرزمین‌های مختلف است. تلکین گفته است شخصیت گاندولف به نوعی شبیه اودین است. گاندلبر به معنی جادو و آلف (عصا و تیر) گرفته شده است.

مسئله حلقه جادویی و شمشیر شکسته نیز در اساطیر نورس وجود دارد. در ارباب حلقه‌ها نیز شمشیر شکسته نارسیل و حلقه یگانه، از عناصر مهم داستان هستند. گاندولف شبیه به اودین، با عصا و لباسی مندس در حال پرس زدن در سرزمین‌های مختلف است. تلکین گفته است شخصیت گاندولف به نوعی شبیه اودین است. گاندلبر به معنی جادو و آلف (عصا و تیر) گرفته شده است.

مسئله حلقه جادویی و شمشیر شکسته نیز در اساطیر نورس وجود دارد. در ارباب حلقه‌ها نیز شمشیر شکسته نارسیل و حلقه یگانه، از عناصر مهم داستان هستند. گاندولف شبیه به اودین، با عصا و لباسی مندس در حال پرس زدن در سرزمین‌های مختلف است. تلکین گفته است شخصیت گاندولف به نوعی شبیه اودین است. گاندلبر به معنی جادو و آلف (عصا و تیر) گرفته شده است.

مسئله حلقه جادویی و شمشیر شکسته نیز در اساطیر نورس وجود دارد. در ارباب حلقه‌ها نیز شمشیر شکسته نارسیل و حلقه یگانه، از عناصر مهم داستان هستند. گاندولف شبیه به اودین، با عصا و لباسی مندس در حال پرس زدن در سرزمین‌های مختلف است. تلکین گفته است شخصیت گاندولف به نوعی شبیه اودین است. گاندلبر به معنی جادو و آلف (عصا و تیر) گرفته شده است.

مسئله حلقه جادویی و شمشیر شکسته نیز در اساطیر نورس وجود دارد. در ارباب حلقه‌ها نیز شمشیر شکسته نارسیل و حلقه یگانه، از عناصر مهم داستان هستند. گاندولف شبیه به اودین، با عصا و لباسی مندس در حال پرس زدن در سرزمین‌های مختلف است. تلکین گفته است شخصیت گاندولف به نوعی شبیه اودین است. گاندلبر به معنی جادو و آلف (عصا و تیر) گرفته شده است.

مسئله حلقه جادویی و شمشیر شکسته نیز در اساطیر نورس وجود دارد. در ارباب حلقه‌ها نیز شمشیر شکسته نارسیل و حلقه یگانه، از عناصر مهم داستان هستند. گاندولف شبیه به اودین، با عصا و لباسی مندس در حال پرس زدن در سرزمین‌های مختلف است. تلکین گفته است شخصیت گاندولف به نوعی شبیه اودین است. گاندلبر به معنی جادو و آلف (عصا و تیر) گرفته شده است.

مسئله حلقه جادویی و شمشیر شکسته نیز در اساطیر نورس وجود دارد. در ارباب حلقه‌ها نیز شمشیر شکسته نارسیل و حلقه یگانه، از عناصر مهم داستان هستند. گاندولف شبیه به اودین، با عصا و لباسی مندس در حال پرس زدن در سرزمین‌های مختلف است. تلکین گفته است شخصیت گاندولف به نوعی شبیه اودین است. گاندلبر به معنی جادو و آلف (عصا و تیر) گرفته شده است.

مسئله حلقه جادویی و شمشیر شکسته نیز در اساطیر نورس وجود دارد. در ارباب حلقه‌ها نیز شمشیر شکسته نارسیل و حلقه یگانه، از عناصر مهم داستان هستند. گاندولف شبیه به اودین، با عصا و لباسی مندس در حال پرس زدن در سرزمین‌های مختلف است. تلکین گفته است شخصیت گاندولف به نوعی شبیه اودین است. گاندلبر به معنی جادو و آلف (عصا و تیر) گرفته شده است.

